

ادامه از صفحه اول

فقط دولت مقصر است؟

ممکن است گفته شود بازوهای نظارتی باید این کار را انجام دهند اما باید توجه داشت که بازوهای نظارتی اگر هم کاملاً سالم باشند، فقط در محدوده کوچکی می‌توانند در گستره وسیع کشور اقداماتی انجام دهند که نهایتاً به رای قوه قضائیه بازمی‌گردد.

باید توجه کرد اگر در شرایط حاد مشکلات بزرگ‌تر جلوه داده شود، شرایط حادثر می‌شود و علاوه‌براین ظاهراً موضوع چگونگی و تدبیر اقتصاد سیاسی فراموش و فریاده‌ها جاکیزین تدبیر شده است. جالب آن است که بسیاری از این نظارت‌ها وابسته به کار وزارت بازرگانی است که ادغام وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و تشکیل وزارت صمت هم کار وزارت بازرگانی را مختل کرده و هم صنایع یتیم شده‌اند و مجلس همچنان بر این ادغام پافشاری می‌کند. وقتی رهبر انقلاب آن‌همه بر نقش‌نقودی‌ها تأکید می‌کند، این سؤال پیش می‌آید که مقصرشناختن دولت در همه موارد و اتهامات بی‌جا و بحرانی نشان‌دادن اوضاع و ارتباط‌دادن همه نابسامانی‌ها به دولت و وادوم‌کردن آنکه همه چیز عادی است و فقط دولت بد عمل می‌کند و مقصر نشان‌دادن دولت در همه موارد همان چیزی است که آمریکا و متحدانش در پی آن هستند. اینکه روزانه تعداد زیادی گوسفند از مرزا، از جمله با لنج از ساحل خلیج فارس، بیرون می‌رود و اینکه سوءاستفاده‌کنندگان داخلی قیمت‌ها را بدون هیچ دلیلی افزایش می‌دهند، آیا تنها بر عهده دولت است؟ اینکه برخی مردم در صد خارج‌کردن ثروشان از کشور هستند و به بازار ارز فشار می‌آورند، آیا ناشی از اقدامات دولت است؟ آنچه اینک در نظقا و سخنان و درخواست‌ها مشاهده می‌کنیم، گویای آن است که ظاهراً هیچ مشکل فرامرزی‌ای نداریم و تحریم‌ها کاغذپاره است و روابط بانکی با دنیا کامل است و صادرات نفت ... به همان میزان همیشگی است و فقط دولت مقصر مشکلات کشور است. اگر این رویه را ادامه دهیم و به خیال خود دولت را ساقط کنیم، در کدام جهت حرکت کرده‌ایم؟ در جهت مقاومت یا در جهت سازش؟

خبر

کوپن الکترونیکی صادر می‌شود

● نمایندگان مجلس با اختصاص ۱۴ میلیارد دلار برای تأمین کالاهای اساسی و دارویی با نرخ ارز ترجیحی موافقت کرده و مصوب کردند که دولت از کوپن الکترونیکی برای تأمین کالاهای اساسی استفاده کند. به گزارش ایسا، نمایندگان مجلس در جلسه علنی دیروز و در ادامه بررسی جزئیات بودجه ۹۸ در بخش هزینه‌ای با ۱۵۸ رأی موافق، ۳۸ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۶ نماینده حاضر در مجلس بند مربوط به اختصاص ۱۴ میلیارد دلار برای تأمین کالاهای اساسی را تصویب کردند. طبق این مصوبه دولت مکلف است در سال ۱۳۹۸ مابه‌التفاوت ریالی ۱۴ میلیارد دلار از منابع حاصل از صدور نفت سهم خود را به شیوه زیر صرف حمایت از معیشت مردم و حمایت از تولید کند.

۱. واردات یا خرید و حمایت از تولید داخل و توزیع کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی و نهاده‌های کشاورزی و دامی با نرخ ارز ترجیحی واردات یا خرید تولیدات داخل و توزیع کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی و نهاده‌های کشاورزی و دامی با نرخ ارز نیامی و اختصاص مابه‌التفاوت آن با نرخ نیمایی برای معیشت مردم و حمایت از تولید

۳. دولت از کلاپسِrg الکترونیکی برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم با نرخ ارز ترجیحی یا پرداخت نقدی استفاده می‌کند.

۴. دولت موظف به حسن نظارت بر اجرای این برنامه است و گزارش عملکرد خود را هر سه ماه یک بار به کمیسیون‌های برنامه‌بودجه، اقتصاد، کشاورزی و صنایع مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کند. پیش‌ازاین دو بار مجلس این بند را برای بررسی بیشتر به کمیسیون تلفیق ارجاع داده بود.

افزایش حقوق همان ۲۰ درصد مصوب مجلس است

● رئیس سازمان برنامه‌وبودجه کل کشور می‌گوید افزایش حقوق‌ها همان ۲۰درصدی است که مجلس بر اساس پیشنهاد دولت در لایحه بودجه تصویب کرده است. محمدباقر نوبخت با اشاره به نشست کمیسیون تلفیق بودجه برای بررسی نحوه توزیع ۱۴ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی گفت: هنوز تصمیم‌گیری قطعی انجام نشده است، از صبح پیشنهاد شد مختلفی در کمیسیون تلفیق مجلس مطرح شد و همه این پیشنهادها بر این اساس بود که به چه ترتیبی می‌توانیم با از ترجیحی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی، ۱۴ میلیارد دلار از را در سال آینده صرفاً برای معیشت مردم و تأمین کالاهای اساسی در نظر بگیریم.

اقتصاد

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، اجرای برنامه ادغام بانک‌های نظامی در بانک سپه را ارزیابی کرد

بانک‌های نظامی در خط مقدم ادغام



ادغام کرده و البته بانک مرکزی اطمینان داده است هیچ سپرده‌گذاری دچار زیان نخواهد شد و از منابع بانک مرکزی برای این ادغام برداشت نمی‌شود.
نظر چند کارشناس اقتصادی و حوزه پولی و بانکی را درباره کارکرد این ادغام پرسیده‌ایم و آنها اگرچه از اصل ادغام و کوچک‌شدن تعداد بانک دفاع می‌کنند اما اجرای این فرمول را مشروط به شروطی می‌دانند که در ادامه می‌خوانیم.

نشان‌دهنده شکنندگی بالای صورت‌های مالی آنهاست. وضعیت بانک سپه هم طبق استاندارد‌ها، چندان مناسب نیست؛ این بانک حدود ۵۰۰ میلیاردتومان بدهی قطعی‌شده به بانک مرکزی دارد و نسبت کفایت سرمایه آن سه درصد است که باتوجه به فاصله آن با کفایت سرمایه استاندارد (هشت درصد) جزء بانک‌های با بحران کفایت سرمایه شناخته می‌شود. حالا با تمامی این اوصاف دولت اقدام به اجرای طرح

کارکرد مشابه آنها صحبت‌هایی درباره ادغام این دو

هم مطرح است.

درمجموع ادغام بانک‌ها، کیفیت ترازنامه شبکه بانکی را افزایش می‌دهد اما باید ملاحظاتی را هم درنظر گرفت. البته نگرانی برای سپرده‌گذاران وجود ندارد، اصلاً در دنیا ممکن نیست که بانک امکان بازگشت سپرده‌ها را نداشته باشد، بانک حسایش پیش بانک مرکزی است و اعتبار بانک از سوی بانک مرکزی شارژ می‌شود. همچنین هزینه‌های تجهیز منابع در بانک‌های خصوصی وابسته به نیروهای مسلح به‌شدت کاهش پیدا می‌کند؛ مثلاً این بانک‌ها پیش‌تر برای دریافت سپرده با هم رقابت می‌کردند و برای همین امر اقدام به افزایش نرخ سود می‌کردند تا در مقایسه با دیگران برای سپرده‌گذاری جذاب‌تر باشند. این رقابت نرخ‌ها که در سال‌های گذشته به اقتصاد ضربه زد، حداقل درباره این بانک‌ها برچیده می‌شود و هر چقدر رقابت سالم‌تر و تعداد کمتری از بانک‌ها در بازار باشند، رقابت بین سود کاهش پیدا می‌کند. درعین‌حال ملاحظه نهایی این است که برنامه ادغام نباید به این معنا باشد که بانک مرکزی اصلاح نظام بانکی را انجام داده؛ بلکه این فقط یک گام از آنچه ضرورت دارد، است. بدهی بانک‌ها، ادغام بانک‌های دولتی، دارایی‌های منجمد، کسری بانک‌ها و اضافه‌برداشت به‌ویژه در بانک‌های خصوصی باید تعیین تکلیف شود.

زیان ادغام را از جیب مردم ندهید

➤ **مرتضی افقه**

➤ **کارشناس اقتصادی**

اصل گسترش بی‌رویه بانک‌ها از دو دهه گذشته به‌ویژه در دوره احمدی‌نژاد کار غلطی بود که به عمل درآمد و کمترین ارتباط را با فضای اقتصادی و ساختار اقتصادی کشور داشت و متأسفانه کسانی اقدام به گسترش بانک‌ها کردند که صاحب پول بودند و دسترسی به رانت داشتند. اکنون در نقطه مقابل، ادغام می‌تواند فی‌نفسه مثبت باشد؛ مشروط به اینکه این بانک‌ها زیان‌ده نباشند و این ادغام باعث نشود زیان‌شان از جیب مردم برود، همان‌گونه که مؤسسات مالی اعتباری زیان‌شان را به مردم تحمیل کردند. این ادغام بهانه‌ای برای کتمان زیان‌های احتمالی این بانک‌ها نباشد. این ادغام با توجه به اینها می‌تواند مثبت باشد؛ به‌ویژه اینکه بانک‌ها و مؤسسات درگیر به لحاظ صنفی نیروهای یکدستی هستند و حتی به این تعلل هم نیازی نبود. زبانی هم به سپرده‌گذاران تحمیل شد

و هزینه تولید را غیرمستقیم افزایش می‌داد. شاید همین روند اگر برای برخی بانک‌های دیگر به‌ویژه بانک‌هایی که در معرض خطر هستند، ادامه پیدا کند، می‌تواند مثبت باشد. هرچند بانک‌های خصوصی را بانک مرکزی نمی‌توانند مجبور به ادغام کند؛ اما باید مقررات سختی را برای عملکرد و نظارت بر آنها بگذارد؛ اما اجرای این سیاست با چالش‌هایی همراه است. اینکه مدیریت یک واحد می‌تواند این حجم ادغام را نظارت و مدیریت کند، محل تردید است. به‌ویژه آنکه در نظام مدیریتی انتصاب مدیران معمولاً بر حسب شایستگی‌ها نیست. بانک مرکزی این موضوع را هم باید لحاظ کند. این اقدام شبیه ادغام وزارتخانه‌های بزرگ در دوره احمدی‌نژاد بود. من آن زمان مخالف بودم؛ چون حجم فعالیت آن‌قدر بالا بود که مدیرانی که منصوب می‌شوند، از پس حجم بالای فعالیت برنمی‌آیند.

به‌طورکلی کوچک‌کردن تعداد بانک‌ها برای اصلاح نظام بانکی حداقل شروع کار است و نیازمند اقدامات وسیع‌تری است. نظام بانکی ما در راستای توسعه و تولید کشور نیست؛ چون سلاک و معیار بانک‌ها چه خصوصی‌ها، چه دولتی‌ها کسب سود است، بنابراین تولید هم در کشور ما سودآور نیست و بانک‌ها عمدتاً به سمت استفاده از سپرده‌ها در فعالیت بورس‌بازی و دلالتی رفته‌اند. دلیل گسترش بی‌رویه بانک‌ها و به تبع آن مؤسسات مالی پرجاذبه‌شدن این نوع فعالیت‌ها بود و در یک دهه گذشته ضریات جبران‌ناپذیری به اقتصاد زده که منجر به تورم و تراکم ثروت نزد عده قلیلی شده است.

بانک‌های بدرار یک بانک بد ادغام می‌کنیم

➤ **وحید شافقی‌شهری**

➤ **کارشناس اقتصادی**

بانک مرکزی تصمیم خود مبنی بر ادغام بانک‌های نیروهای مسلح را به اجرا درآورد. عملاً اصل سیاست درست است. ادغام بانک‌ها و کم‌ترشدن تعداد بانک‌ها سیاست درستی است؛ برای اصلاح سیاست اشتباهی که در دهه ۸۰ به شکل رشد قارچی بانک‌ها که برخی هم وابسته به نیروهای نظامی بودند، پیش رفت؛ ولی ما برای هر سیاستی زمان درستی را باید انتخاب کنیم که جراحی به مشکلات بیشتر دامن نزند. بحث مهم این است که چرا این بانک‌ها در بانک سپه ادغام شوند؟ بانک سپه که خودش درگیر ناترازی

یادداشت

شرکت‌های دولتی را چگونه باید کنترل کرد

علی بهادری‌جهرمی
حقوق‌دان و مدرس دانشگاه

● وجود شرکت‌های دولتی که بنا بر دلایل مختلف با وجود تعلق به حاکمیت کشورها، در قامت بخش خصوصی فعالیت کرده و اداره می‌شوند، امری ضروری و پذیرفته‌شده است؛ اما این امر هرگز نمی‌تواند به آن معنا تفسیر شود که این شرکت‌ها عملاً متعلق به مدیران آنها تصور شوند!

وجود شرکت‌های متعدد دولتی در ایران، با توجه به اینکه از گذشته غالب امور عمومی از سوی دولت اداره شده و دولت خود متصدی همه امور عمومی شده است، دردی مزمن در ساختار نظام اداری کشور است که می‌توان آن را یکی از عوامل وجود تخلف یا فساد در برخی از بخش‌های دولتی دانست. پدیده شوم حقوق‌های نجومی یکی از ده‌ها ایراد قانونی موجود در وضعیت کنونی شرکت‌های دولتی بود که چندی پیش در رسانه‌ها مطرح و مبدل به اعتراضی عمومی شد؛ تا جایی‌که مقام معظم رهبری نیز درباره آن موضع گرفت؛ اما آنچه مشکل این‌درد را بیش‌ازپیش گسترده می‌کند، نبود نظارت کافی و شفافیت لازم در عملکرد و نحوه اداره این شرکت‌ها به‌ویژه در موضوع نحوه هزینه‌کرد منابع مالی در اختیار این شرکت‌هاست. موضوعی که با گسترده‌شدن روزافزون سهم این شرکت‌ها در منابع عمومی کشور روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود.

پس از تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ از سوی دولت و روشن‌شدن سهم حدود ۷۴ درصدی شرکت‌های دولتی از بودجه کل کشور، بار دیگر مسئله لزوم روشن‌شدن عملکرد این شرکت‌ها و به‌طور خاص نحوه هزینه‌کرد منابع مالی آنها در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفت. این موضوع منجر به موضع‌گیری برخی از نمایندگان مجلس و نهایتاً ورود کمیسیون تلفیق بودجه به موضوع شد؛ اما آنچه مهم است، طراحی مدل و سازوکارهای قانونی به‌منظور کنترل و نظارت مؤثر بر شرکت‌های دولتی است؛ به‌گونه‌ای‌که در عین حفظ استقلال مدیریتی و قدرت عمل و تصمیم‌گیری شرکت، بتوان دید روشنی درباره نحوه فعالیت آن و به‌ویژه هزینه‌کرد منابع عمومی که در اختیار این شرکت قرار گرفته، داشت. برای این منظور کشورهای مختلف راهکارهای متفاوت و متعددی طراحی کرده و از آن بهره برده‌اند که هر یک به‌تأییهی با الگوگیری از چند راهکار به صورت هم‌زمان می‌تواند راهگشای مجلس در ساماندهی وضعیات کنونی شرکت‌های دولتی و حتی مؤسسات عمومی غیردولتی و همچنین شرکت‌های وابسته به این دو که در رسانه‌ها عموماً از آن با عنوان شرکت‌های «حصولتی» یاد می‌شود، باشد؛

۱- الزام عملکردی دولتی به شفاف‌سازی حوزه‌های مختلف عملکردی و نحوه هزینه‌کرد منابع مالی خود درباره عموم مردم راهکاری است که بسیاری از کشورها به‌منظور کنترل شرکت‌های دولتی از آن بهره برده‌اند. این الزام می‌تواند از طریق ایجاد پایگاه اینترنتی واحد برای همه شرکت‌های دولتی محقق شود. ۲- ایجاد نهاد ناظر بر عملکرد مالی شرکت‌های دولتی در یکی از بخش‌های دولتی مانند وزارت اقتصاد، به‌گونه‌ای‌که نظارت کامل و مؤثری بر عملکرد آنها داشته و از جزئیات فعالیت این شرکت‌ها مطلع باشند، می‌تواند تا حدودی از بی‌روز تخلفات مالی با ضعف عملکردی در این شرکت‌ها بکاهد. باید توجه داشت با توجه به تصویب‌نشدن جزئیات بودجه این شرکت‌ها در قوانین بودجه سالانه کشور، ما دیوان محاسبات کل کشور که بر عملکرد مالی نهادهای دولتی نظارت نسبتاً کاملی دارد، نمی‌تواند نظارت کامل و مؤثری بر شرکت‌های دولتی اعمال کند. ۳- تدوین و تصویب جزئیات بودجه شرکت‌های دولتی در قوانین بودجه سنوالتی راهکار دیگری است که در برخی کشورها از آن بهره برده شده است. نگاه دقیق به جزئیات عملکرد مالی این شرکت‌ها در مجلس وجود نداشته و نظارت دیوان محاسبات بر آنها نیز به تبع آن ناکارآمد است. ۴- الزام شرکت‌های دولتی به ارائه گزارش‌های مالی و عملکردی مطابق فرمت‌های از پیش تعیین‌شده به‌گونه‌ای‌که نهادهای نظارتی مانند کمیسیون‌های مرتبط در مجلس یا نهادهای نظارت قضایی یا اداری اشراف روشنی درباره عملکرد این شرکت‌ها پیدا کنند. تجربه در نظام قانون‌گذاری ما نشان داده در بسیاری موارد عملاً شرکت‌های دولتی با حتی سایر دستگاه‌های اجرائی به طرق و بهانه‌های مختلف از اجرای قوانین سر باز زده و عملاً قانون را به مصوبه‌ای تشریفاتی مبدل می‌کنند. برای این منظور باید تدبیر خاصی به‌منظور تحقق عملی راهکار در پیش گرفته‌شده داشت. به‌عنوان نمونه ایجاد ارتباط میان انجام این تکلیف قانونی از سوی شرکت‌های دولتی با کمک‌های دریافتی دولتی یا تجویز هزینه‌کرد دارایی‌ها به شرط اجرای تکالیف قانونی می‌تواند از جمله این تدابیر باشد. بهره‌گیری از یک یا چند عنوان از این راهکارها در کنار طراحی ضمانات اجرای مؤثر به منظور عملیاتی‌شدن آن و درنظرگرفتن مهلت خاصی برای تطبیق عملکرد شرکت‌های دولتی با این تکلیف قانونی، ضرورتی است که انتظار می‌رود مجلس شورای اسلامی برای آن اقدام کرده و مانع از گسترش بیش‌ازپیش وضعیت غیرشفاف و ناکارآمد کنونی در نحوه اداره شرکت‌های دولتی و هزینه‌کرد منابع عمومی در این شرکت‌ها باشد. تسری این راهکارها به نهادهای عمومی غیردولتی و همچنین شرکت‌های وابسته به این نهاده‌ا یا وابسته به سایر بخش‌های دولت نیز می‌تواند مکمل این اقدام ضروری در ساماندهی وضع کنونی باشد.

در این خبر از قول یک مقام آگاه در وزارت نفت درباره فرایند خرید

این دکل اشاره شده بود: «قرار بود ۲۰ درصد از بهای ۸۷میلیون‌دلاری این دکل حفاری به عنوان پیش‌پرداخت در اختیار شرکت خارجی قرار بگیرد و ۸۰ درصد باقی‌مانده نیز پس از تحویل دکل به این شرکت پرداخت شود. با وجود این، طرف ایرانی برخلاف مفاد قرارداد کل بهای دکل را به تدریج پرداخت کرده اما پس از گذشت یک سال از موعد تحویل دکل و پرداخت بهای آن، هیچ خبری از دکل نشده است».

بعدها مشخص شد پول دکل به صاحبان اصلی آن پرداخت نشده و در حساب واسطه‌ها باقی مانده است. به همین دلیل دکل به شرکت دیگری فروخته شد و مشغول حفاری در خلیج مکزیک است. پس از انتشار خبر دکل گمشده، در گزارش‌های متعددی به جزئیات و جوانب مختلف این پرونده پرداخت و خبر بازداشت و آزادشدن متهمان پرونده به قید وثیقه و افراد مرتبط با این پرونده را منتشر کرد.

در اسنادی که فارس در سال ۹۴ منتشر کرد محل واریز پول دکل و

مقصد نهایی این پول کاملاً مشخص شده است. تلاش برای سفیدخوانی بعضی متهمان این پرونده همچنان از سوی بعضی رسانه‌ها و جریانات سیاسی ادامه دارد.

این گزارش حاکی است که رضا مصطفوی طباطبایی، یکی از متهمان اصلی پرونده چند سال پیش از ایران گریخته و در انگلستان ساکن شده است اما دو متهم دیگر در ایران حضور دارند. طباطبایی که گفت‌وگوهای زیادی با رسانه‌های ضدانقلاب و رسانه‌های داخلی داشته است، اخیراً در گفت‌وگو با خبرگزاری دولتی ایرنا همه اتهامات علیه خود را رد کرده و بقیه افراد دخیل در معامله را تنها متهمان پرونده دانسته بود.وی امکان صدور رأی علیه خود در دادگاه انگلستان را رد کرده و تأکید کرده بود حتی در صورت صدور، این رأی امکان اجرائی شدن نخواهد داشت. با وجود این بر اساس رأی دادگاه طباطبایی و بستکان درجه اول وی در انگلستان که محل اقامت آنهاست ممنوع‌المعامله خواهند بود و هرچه از سال ۲۰۱۳ به این سو خریداری کرده باشند در معرض ضبط‌شدن قرار خواهد داشت. روزنامه جوان در گزارشی اشاره کرده است طباطبایی که در برایتون انگلستان ساکن است، یک کارخانه مشروب‌سازی دایر کرده و با سران اپوزیسیون از جمله رضا پهلوی ارتباطات نزدیکی دارد.

خبرگزاری فارس در شه‌یور ماه سال ۹۳ برای اولین بار خبری درباره دکل حفاری نفتی موسوم به فورچونا منتشر کرد که حکایت از پیگیری دو نهاد نظارتی برای پیدا کردن دکل نفتی ۸۷میلیون‌دلاری داشت.

یک منبع آگاه از صدور حکم پرونده دکل فورچونا که در ایران به «دکل گمشده» معروف است، در دادگاه لندن و جزئیات این حکم خبر داد.

این منبع آگاه اظهار کرد: سه متهم اصلی این پرونده شامل رضا مصطفوی طباطبایی، مراد شیرانی و علی طاهری‌مطلق مدیرعامل اسبق تاسیسات دریایی بر اساس حکم این دادگاه متضامناً به پرداخت ۸۷ میلیون دلار به شرکت تاسیسات دریایی محکوم شدند.

با توجه به صدور حکم در این دادگاه گفته می‌شود اموال این افراد در هیچ جای دنیا در امان نیست و وکلای شرکت هر جا اموالی از این افراد شناسایی کنند امکان ضبط آن را دارند.

با توجه به ضوابط حقوقی حاکم بر این دادوی، امکان تجدید نظر در رأی دادگاه وجود ندارد. به دلیل ثبت معامله در دیگر کشورها، این پرونده علاوه بر دادگاه‌های داخلی در دادگاه تجاری لندن نیز پیگیری شده است.

آخرین دفاع متهمان این پرونده در دادگاه‌های داخلی نیز روز دوشنبه همین هفته اخذ خواهد شد و پس از آن دادگاه درباره متهمان پرونده حکم خود را صادر خواهد کرد.